



شامل:

گزارش کنگره

صفحة ۲

مصوبات کنگره:

گزارش سیاسی

کنگره اول

صفحة ۷

پیام به

طبقه کارگر ایران

صفحة ۹

پیام به خانواده

شهدا و

زندانیان سیاسی

صفحة ۱

پیام به اعضا

و هواداران سچفخا

صفحة ۱۲

گرامیداشت سالگرد

سیاهکل و قیام

بهمن

صفحة ۱۰

پلنوم اول

شورای مرکزی

برگزار شد!

صفحة ۶

پیام کنگره اول به خانواده شهدای سازمان و زندانیان سیاسی

در آستانه بیست و هفتمین سالگرد تاسیس سازمان و نوزدهمین سالگرد قیام پرشکوه توده های مردم کنگره سازمان ما فدائیان کمونیست که مصممیم راه کمونیستی رفقای شهید و در بندمان را ادامه دهیم، با موفقیت برگزار شد و کنگره برحسب معمول تصمیم گرفت پیامهای شادباش خود را به شما پدران و مادران، همسران و فرزندان، کمونیستهای قهرمانی که در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند، تثار کند.

خانواده شهدا و زندانیان سیاسی!

در طول ۲۷ سالی که از تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سپری می شود، صدها هزاران فدائی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم و در راه نیکبختی انسانها از دست داده اند. هزاران نفر در زندانها، شکنجه گاهها و پای چوبه های تیرباران سرود پیروزی خواندند و این مبارزه علمیرغم افت و خیزها و شکست و پیروزیهایش همچنان ادامه دارد. امروز که نوزده سال از حیات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی می گذرد و بحران اقتصادی، بیکاری، گرانی و سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی بیداد می کند، مبارزه نیز ابعاد وسیعی بخود گرفته و رژیم قصد دارد مثل همیشه با عوامفریبی از یکسو و اعمال سیاست سرکوبگرانه از سوی دیگر، مبارزه کارگران، روشنفکران، دانشجویان، زنان و جوانان را به راه سازش سوق دهد و به وعده های پوچ خود امیدوار سازد.

ما کمونیستهای جنبش فدائی که از همان ابتدای روی کار آمدن این رژیم ماهیت آنرا آشکار کرده و به تداوم مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم پای فشردیم و در این راه هزاران همسنگر خود را از دست دادیم اکنون نیز اعلام می کنیم که تنها تداوم مبارزه علیه جمهوری اسلامی در کلیت آنست که چشم انداز رسیدن به آزادی واقعی گشود، خواهد شد.

بدون تردید شما خانواده های شهدا زندانیان سیاسی که فرزندانان در جبهه مقدم مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم جانباخته اند همچون گذشته در این مبارزه از جایگاه ویژه ای برخوردارید. تلاش خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در افشای دو رژیم شاه و شیخ در نزد افکار عمومی ایران و جهان نقش مهم و اتکارناپذیری بازی کرده است.

با ایجاد محافل و تشکلهای مناسب در محیط کار و زیست تان، مبارزه علیه اختناق و خواستهای همچون، آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، لغو شکنجه، لغو حکم اعدام و ... را به میان مردم کوچه و بازار، بمیان کارگران اعتصابی و به میان جوانان ببرید.

ما شرکت کنندگان در اولین کنگره فدائیان کمونیست، دروهای خود را تثار شما کرده و با وفاداری به آرمان فرزندان قهرمان شما، در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم از پای نخواهیم نشست.

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

گزارش کنگره اول اتحاد فدائیان کمونیست

کنگره اول اتحاد فدائیان کمونیست بفاصله یک سال از نشست نهم، در بهمن ماه ۱۳۷۶ برگزار شد.

کنگره بنا به پیشنهاد مسن‌ترین عضو شرکت کننده و با تصویب جمع، توسط جوانترین عضو حاضر در کنگره، به نشانه تأکید بیشتر بر ضرورت و اهمیت پیوند سازمان با نیروهای جوان جنبش کارگری و کمونیستی ایران، افتتاح شد. سپس کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، کار خود را طبق برنامه‌ایکه از پیش در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود آغاز کرد. ابتدا هیات رئیسه کنگره انتخاب و نحوه پیشبرد جلسه تأیید شد.

شرکت‌کنندگان در کنگره طی دو روز با روحیه‌ای انقلابی و سرشار از شور و همبستگی و جدیت، کار بررسی موارد پیشنهادی از سوی شورای مرکزی را، که قبلاً مبانی و مباحث آنها در نشریات علنی منتشر شده ویا در اختیار رفقای شرکت کننده قرار گرفته بود، بشرح زیر آغاز نمودند.

ابتدا گزارش سیاسی تشکیلاتی مورد بررسی قرار گرفت، این گزارشات در سه حوزه سیاسی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی تفکیک و تدوین شده و قبل از برگزاری کنگره در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود. در این گزارشات، از جمله آمده است: «در فاصله دو نشست یعنی از فردای نشست نهم، با تحولاتی مهم در کشور مواجه بودیم. اعتصابات کارگری، اعدامها و سرکوبگریهای رژیم، مسأله دادگاه میکونوس، انتخابات، حرکت‌های توده‌ای و دانشجویی و... مسائلی بودند که ویژگی فاصله دو نشست را مشخص می‌کردند. ما در انطباق با خط و مشی و سیاست و برنامه مصوب نشست نهم، توانستیم حساسیت، عکس‌العمل و دخالتگری بموقعی از خود نشان دهیم.

موضع‌گیریهای بموقع از یکسو و مبتنی بودن این موضع‌گیریها بر چارچوب برنامه‌ای معین از سوی دیگر، نشانگر تواناییهای تشکیلات ما در

دخالت بموقع در تحولات سیاسی از موضع مستقل طبقه کارگر بود. تقریباً کمتر حرکت و یا مسأله‌ای در داخل و خارج کشور بود که از سوی سازمان ما مورد برخورد، موضع‌گیری و یا مورد حمایت قرار نگیرد. انتشار بموقع اخبار موثق تحولات داخل، طرح این موضع‌گیریها بویژه از سوی رادیوهای بین‌المللی فارسی زبان در تبلیغ و ترویج مواضع و سیاستهای ما در داخل و انعکاس آن در محافل سیاسی نقش مهمی بازی کرد. بویژه آکسیون حمایتی از کارگران صنایع نفت که هرچند نقاط ضعف بسیاری داشت، ولی افق دید ما را از یکسو و اتخاذ تاکتیک‌های بموقع بویژه در رابطه با جنبش کارگری از سوی دیگر را نشان میداد.»

این دوره فعالیت سیاسی، دروازه‌هایی را برای عملی نمودن قطعنامه‌ها و وظایف معین شده در مصوبات نشست گشود. ما موفق شدیم تا همزمان فعالیت‌هایی را جهت تحقق قطعنامه‌هایی نظیر وحدت جنبش کمونیستی و یا گسترش اتحاد حول پلاتفرم سیاسی بر محور حکومت شورایی و... آغاز کنیم. اتحاد عملها و بیانیه‌های مشترک با سایر احزاب و سازمانهای سیاسی، برگزاری کنفرانس‌های مشترک، همه و همه بنوعی نتایج دیالکتیکی روند عملی و نظری نوسازی و تلاش ما در جهت وحدت جنبش کمونیستی بر پایه انتقاد از گذشته، اتکا به مارکسیسم و جنبش کارگری محسوب میشوند. در این راستا انتشار دوره جدید کار کمونیستی هم یکی دیگر از وسایل بازتاب دهنده فعالیتها و مواضع سیاسی ما بود. کیفیت انتشار کار هر چند با سطح فعالیت سیاسی ما و نیازهای گسترده جنبش همخوانی نداشت، اما به هر حال تشکل و دیدگاههای ناظر بر آنرا در سطح جنبش نمایندگی کرده و می‌کند. فضای باز و امکان انتشار مطالب خوانندگان، صفحات و ستونهای متعدد برای انتقاد و انتقاد از خود، بمنظور هرچه دمکراتیزه کردن جریان نوسازی، هم در شکل و هم در مضمون، بیانگر موضع انتقادی جدی ما نسبت به دیدگاهها، سبک‌کار

و انحرافات گذشته است و باید چشم‌انداز نوینی را برای سازماندهی یک حزب کمونیستی رادیکال، و در عین حال متعلق به قرن بیست و یکم، بازگشاید. البته هنوز در ابتدای پیاده کردن آن دیدگاههایی هستیم که هر کمونیستی در طول مبارزه خود در درون جنبش فدایی و یا در هر جریان دیگری در حد توان خود برای عملی کردنش رزمیده است. صدا البته در بروز ضعفها در این بخش خصلت موقتی بودن، روند نوسازی الزامات آن و نحوه تقسیم کار، قرار گرفتن داوطلبانه و گاه اجتناب‌ناپذیر افراد در موقعیتهایی که نیازمند آموزش، تجربه، نظم و حد معینی از تخصص است، مزید بر علت بوده تا انتشار منظم و با کیفیت نشریه را دچار وقفه سازد.

از جمله، صفحه‌بندی نشریه، افتادگی‌ها و غلطهای تایپی در نوشته‌ها، عدم تغییرات محسوس در مضمون و شکل نشریه و مقالات مطول و دنباله‌دار، استفاده نکردن از عکس و... از جمله انتقاداتی بود که به نشریه وارد شد و کنگره با طرح انتقادات و ارائه پیشنهادات و راه‌حلهای خود بر طرف نمودن نقاط ضعف و اشکالات موجود را توصیه کرد.

ایدئولوژیک:

در زمینه ایدئولوژیک، تداوم انتشار به‌پیش با کمبودهایی همراه بوده است که مورد بررسی انتقادی شرکت‌کنندگان در کنگره قرار گرفت. کنگره بر سیستماتیزه کردن مباحثات نشریات کار کمونیستی و به‌پیش و سایر انتشارات و همچنین تشکیل حوزه‌های بحث منظم حول آنها تأکید نمود. در زمینه ایدئولوژیک گذشته از نشریه به‌پیش بخشهای مهمی نظیر بررسی و تحلیل تاریخ جنبش کمونیستی ایران، در پیوند با جنبش کارگری و کمونیستی در عرصه جهان، بویژه شوروی و تأثیر آن بر روند شکل‌گیری اندیشه کمونیستی در طول ۸۰ سال گذشته، بررسی بحرانها در مراحل مختلف تاریخ تکامل جامعه ایران، زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری احزاب از جمله سازمان فدایی و بحرانهای مقطعی آن، در طول حیاتش، بعبارت دیگر تحلیل و بررسی انتقادی جنبش کمونیستی از بدو پیدایش هسته‌های سوسیال‌دموکرات تا کنون در ایران، نقد سبک‌کار و مسایل اساسنامه‌ای در جنبش چپ علی‌العموم و سازمان خودمان علی‌الخصوص، بحثهای مربوط به استراتژی و تاکتیک، ترکیب طبقه‌کارگر، مسائل مختلف برنامه‌ای اساسنامه‌ای را مورد بررسی قرار داده‌است که تماماً در خدمت پاسخگویی به اشتباهات گذشته و در عین حال راهیابی برای آینده بوده‌اند. کنگره با در دستور گذاشتن مباحث برنامه‌ای حول طرحهای پیشنهادی برنامه و اساسنامه نوین، رهنمودها و قرارهای لازم در این زمینه را صادر نمود. کنگره از جمله مقرر داشت تا از این پس عبارت «بولتن مباحثات و اتحاد طیف اقلیت فدائی» از عنوان نشریه «به‌پیش در راه نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی» برداشته شود تا این تصور پیش نیاید که هدف ما از نوسازی و وحدت، فقط افراد و جریانات طیف اقلیت بوده است.

تشکیلاتی

اساس تئوری ما را نوسازی تشکیلات برپایه نقد گذشته در تمامی ابعاد و اتکا به مارکسیسم و طبقه کارگر تشکیل میدهد. ما درست در شرایط فروپاشی شوروی، ارتداد و زلزله گسترده در میان روشنفکران مارکسیست و احزاب و جریانات چپ، بوسیله سمینارها، نشریات و جلسات و... در حد توانایی خود، به تحلیل مشکلات جنبش کمونیستی علی‌العموم و جنبش کمونیستی ایران علی‌الخصوص پرداختیم و گفتیم که کمونیسم، جوانتر از قبل از زیر این گرد و غبار و آلودگیهای فعلی سر بر می‌آورد و شکوفا می‌شود. کمونیسم علمی، متکی به طبقه کارگر و سرشار از آرمانهای انسانی... ما علاوه بر اینکه میبایست برای نوسازی سازمان خود تلاش میکردیم و بموازات آن و بسهم خود برای وحدت جنبش کمونیستی ایران و نوسازی آنهم نیرو میگذاشتیم، در عین حال در سطح جهان نیز در این مورد میبایست سهم خودمان

را ادا میکردیم. اما حرکت بر یک چنین زمینه‌ای با اهدافی که ذکر شد هر چند که از لحاظ تئوریک درست بوده باشند، اما در عمل نیاز به امکانات، تواناییها در تمامی زمینه‌ها دارد. برای عملی شدن چنین هدفی میباید به تلاش باینکه و پرحوصله و جدی مبادرت ورزید. بویژه در رعایت مراحل بازسازی و جلب و جذب رفقای که مدت‌هاست بدلائیل مختلف، زندانی بودن، مهاجرت، قطع ارتباط، انشعابات و انشقاقات، عدم اعتمادها، از کار تشکیلاتی بدور شده‌اند، و یا در محافل و تشکیلاتی فعال بوده‌اند که آنها را نسبت به کار تشکیلاتی و حزبی بی‌اعتماد کرده است و این رفقا حق و وظیفه خود می‌دانند تا در بازسازی تشکیلات و نوسازی آن مشارکت داشته باشند، دقت به عمل می‌آید تا فرصت و امکان آشنایی این رفقا با دیدگاههای ما و نیز مشارکت آگاهانه و آزادانه خود رفقا در ساختمان تشکیلات فراهم شود.

در این رابطه نشست نهم بدرستی تصمیم گرفته بود که تا این کنگره (کنگره اول) رفقا ضمن قبول مسئولیت داوطلبانه برای پیشبرد برنامه‌های مصوب، در عین حال بدلیل ویژگی نوسازی و لزوم آگاهی همه‌جانبه و انتخاب آزاد و... همه بلااستثناء یک دوره آزمایشی را طی کنند تا نظرات، تواناییها، سبک و سیاق خود و هم‌زمان خود را بشناسند و فرصت بیشتری برای ورود رفقای دیگر فراهم گردد و اگر در این مدت تمایلی نبود بدون هیچ اما و آگری و یا گیر و گرفت‌های اساسنامه‌ای تصمیم بگیرند. تا پروسه نوسازی به صورت واقعی آزادانه و آگاهانه و کاملاً صمیمانه پیش برود و افراد در آینده با قرار گرفتن در مسؤولیتهایی که حقیقتاً علاقه‌مندند و از پس آنها بر می‌آیند، بتوانند به رشد و ارتقای خود و تشکیلات کمک کنند. اما به هر حال در رابطه با وظایفی که تعیین شده بود ارگانیزاسیون و تشکیلات مشخصی را ضروری میساخت که بتواند تضاد بین این دوره ویژه را با فعالیت روتین سیاسی نظری و لاجرم تشکیلاتی هماهنگ سازد. پیشنهاد اساسنامه موقتی که در نشریه به‌پیش منتشر شده بود و بصورت جزوه داخلی هم

توزیع شد، در واقع پاسخی بود به این مسأله و ناظر بر ایجاد شورایی وسیعتر، تعیین حوزه‌های کار، انتخاب هیأت اجرایی و یا هیأت دبیران شورای مرکزی و... که بصورت افقی سازماندهی شوند، تا ضمن اینکه مشارکت همه در کلیه امور تضمین میشود در عین حال رفقای که بصورت داوطلبانه و یا از طریق انتخاب وارد مسؤولیتهای اصلی می‌شوند اگر در جریان عمل بنا بدلیلی از جمله عدم آشنائی و یا کمبود تجربه و آموزش قادر به پیشبرد وظایف خود در آن حوزه نمیشوند، از طریق افراد دیگر حوزه‌های کاری شورای مرکزی جایگزین شوند تا هم کار تشکیلات دچار نقص و وقفه نشود و هم آن رفیق در جایگاهی قرار بگیرد که بتواند بطور واقعی تخصص‌ها و تواناییهای خود را داوطلبانه بکار بگیرد و رشد و ارتقا یابد و به رشد و ارتقای جمع کمک کند. در این رابطه هر جا که این مورد بدقت رعایت نشد ضعف‌هایی بروز کرد و رفقا خود با ایجاد تغییراتی در این حوزه‌های کاری تلاش کردند تا برای رفع مشکل چاره‌سازی کنند. قابل ذکر است که مشکلات بروز یافته اساساً در نمونه‌هایی پیش می‌آمد که بلحاظ ساختاری با مجموعه مسایلی از قبل مانده مواجه بوده‌اند. این نمونه‌ها نشان‌دهنده مشی درست ما در تأکید به جنبه انتقادی بازسازی و اینکه تجمعات مکانیکی قبلی در وارد شدن به مسیر نوسازی حقیقتاً باید با یک نگرش نوین و خارج از چارچوب هرگونه محفل و سنت از قبل منجمد شده در مناسبات گذشته صورت بگیرد.

تحریریه

در سیاستگذاری برای نشریه این موضوع در نظر گرفته شده بود که حوزه تحریریه محدود به اعضای تحریریه نباشد. بلکه با مشارکت جمع، هم کیفیت نشریه بالا برود و هم با تأکید بر کار و مطالعه، سطح دانش و آگاهی اعضا نسبت به اوضاع سیاسی ارتقا یابد. نوشتن و نویسندگی در سازمان همچون گذشته، مختص به گروه خاصی نباشد. در این زمینه تواناییها، ابتکارات و خلاقیت افراد در رابطه متقابل با جمع امکان بروز یابد و شکوفا شود. این روش با

وجود نقاط ضعف قابل پیش‌بینی از جمله کیفیت محتملاً پائین برخی مقالات و نوشته‌ها که می‌تواند در همکاری متقابل برطرف گردد، مثبت بوده و سعی شده تمام مقالات رسیده در جایگاه خودشان منتشر شوند. انتقادات وارده به این بخش در رابطه با مضمون و شکل نشریه در بخش اول گزارش ذکر شده است.

رادیو

رادیو یکی از مهمترین وسایل رابطه با توده‌هاست. تجربه گذشته ثابت کرده که وجود رادیو بویژه برای ایران بسرعت، ارتباطات و روابط ما را با فعالین جنبش کارگری و رهبران عملی تأمین می‌کند. شورای مرکزی در تدارک عملی این نیازها گامهایی برداشته بود که کافی نبوده و قرار شد در این زمینه و نیز راه اندازی رادیوی سراسری برروی اینترنت نیز فعالیت‌هایی را در دستور قرار دهد.

همکاریها و اتحاد عملها

در این زمینه علاوه بر اتحاد عمل پایدار ما در چارچوب اتحاد چپ کارگری، رفقا به ابتکار خود در شهرها و یا کشورها به برخی اتحاد عملها و دادن اطلاعاتی مشترک با احزاب و سازمانهای مختلف اقدام کرده بودند که بعد از یک دوره فعالیت سیاسی مستمر، موقعیت و نیاز جنبش یکسری اتحاد عملها را الزامی ساخت. تحولاتی که در سطح ایران به وقوع پیوست تشکیلات ما را هم نسبت به وظایفی که در قطعنامه‌ها در رابطه با همکاری نیروها و... آمده بود، موظف کرد در این مورد اقدام کند و بویژه در مقابله با جریانات راست متزلزل و طرفدار جمهوری اسلامی دست به اقدامات مشترک بزند. در این زمینه از جمله دعوت از تعدادی از سازمانهای سیاسی برای برگزاری کنفرانسی پیرامون تحولات بعد از انتخابات بود که می‌بایست در مقابل جناح راست اپوزیسیون و طرفداران جمهوری اسلامی و روشنفکران متزلزل که از سوی رژیم و طبقاتی که با ائتلاف خود، خاتمی را روی کار آورده بودند، بروی صحنه می‌آمدند تا زمینه ذهنی و فرهنگی و سیاسی تحولات را توجیه و

داخل

تمرکز بیشترین نیرو در داخل وظیفه مقدم هر سازمان جدی و انقلابیست. اما روشن است که امر گسترش فعالیت در داخل بویژه بعد از سالها تشتت و پراکندگی و ابهاماتی که نسبت به جریانات سیاسی در داخل وجود دارد، به یک کار بابرنامه و دقیق نیازمند است که باید بدور از هرگونه ذهنیگرایی (و توهم‌پراکنی حول حضور عملی در داخل به اعتبار اخبار جسته گریخته پیرامون دستگیری این فرد و آن فرد منتسب به سازمان) تدوین و متناسب با امکانات و تواناییها پیش برده شود. چرا که اینگونه توهم‌پراکنی‌ها نه فقط به بی‌اعتباری تشکل سیاسی منجر میشود، بلکه ما را از پرداختن به این وظیفه و از تلاش برای یافتن راه‌حلهای عملی گسترش فعالیت در داخل باز میدارد، اگر بعد از سالها تحمل خفقان و سرکوب و مهاجرت و مسائل و مشکلات عدیده دیگر، ما موفق به بازسازی و نوسازی تشکیلات در داخل و گسترش فعالیت آن بشویم تاثیر خود را در همه زمینه‌ها برجای خواهد گذاشت و نیاز به تبلیغات آنچنانی نخواهد بود. با در نظر گرفتن این واقعیت باید گفت که در این مرحله امر گسترش فعالیت در داخل به درجه معینی از گسترش فعالیت روتین سیاسی نیازمند است که دخالتگری سیاسی در مبارزات جاری را با موفقیت دنبال کند، به همین منظور تشکیلات می‌بایست با زیرپوشش قرار دادن داخل از طریق گسترش فعالیت سیاسی و دخالتگری انقلابی در تحولات سیاسی، برنامه و ایده‌های خود را در میان طبقه کارگر که سوژه اصلی فعالیت ماست گسترش دهد کارگران و توده‌های مردم را در رسیدن به مطالبات‌شان یاری رساند، حمایت از مبارزات آنها را در هر نقطه از جهان که هست، سازمان دهد. پیشبرد این وظایف در داخل و خارج از طرق مختلف امکانپذیر بوده که گزارش کامل آن همراه با عملکرد این بخش و نیازمندیهای آن بصورت درونی و گزارش شفاهی در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و در این زمینه نیز کنگره با طرح انتقادات و ارائه پیشنهادات، رهبری منتخب کنگره را موظف کرد تا با دادن

آماده کنند، در دفاع از جنبش مستقل کارگری و توده‌ای در برابر این توهم‌پراکنیها موضع متحدی اتخاذ نمایند. در این زمینه برگزاری نشست و مذاکره با سایر جریانات در دستور قرار گرفت که به بیانیه ۹ جریان سیاسی و اطلاعیه‌ها و آکسیونهای مشترک دیگر منجر شد. در مورد بیانیه ۹ جریان سیاسی هرچند که برخی از نیروهای امضاکننده ناپیگیری از خود نشان دادند، اما برای اولین بار نشان داده شد که با برخورد منطقی می‌شود نیروهای چپ انقلابی را حول اهدافی مهم و استراتژیک متحد کرد. کنگره ضمن بررسی این گزارش به طرح انتقادات وارده پرداخت و توصیه نمود که اتحاد عملها صرفاً به امضاکردن اطلاعیه‌های مشترک و یا اتحاد عملهای موقتی و بدون هدف درازمدت محدود نشود، بلکه اتحاد عملهای پایدارتری مدنظر باشد که تغییرات محسوسی را در عرصه سیاسی، در راستای منافع استراتژیک طبقه کارگر و جنبش انقلابی بوجود آورد.

بخش خارج

از جمله فعالیت‌های این بخش برگزاری آکسیونهای مشترک، سخنرانی و سمینار، ترتیب دادن مصاحبه و تماس با تشکلهای کارگری احزاب و جمعیت‌ها جهت جلب حمایت آنها از جنبش کارگری، آزادی زندانیان سیاسی، کمک به امر پناهندگی، سازماندهی شرکت در نشست سراسری نمایندگان شوراها و سندیکاهای جهان و تلاش جهت جلب حمایت آنان از جنبش کارگری ایران بویژه کارگران نفت، تهیه مطالب متنوع در همبستگی با سایر جریانات، تهیه امکاناتی برای گسترش فعالیت در داخل و خارج کشور بوده است. از دیگر فعالیت‌های این بخش از جمله تداوم دادن به فعالیت کتابخانه‌ها و تشکلهای توده‌ای و دموکراتیک، انتشار نشریه و دادن اطلاعیه به زبانهای مختلف از جمله وظایفی بوده که این بخش انجام داده است. کنگره کم‌کاریهایی که در رابطه با تماس و ایجاد رابطه پایدار با احزاب و سازمانهای مختلف جنبش کارگری و کمونیستی سایر کشورها وجود داشت را مورد انتقاد قرارداد.

بیشترین اولویت به این بخش، در برطرف کردن موانع موجود حرکت سازمان برای گسترش فعالیت سازمانگرا در میان کارگران و زحمتکشان تلاش کند.

ارتباطات

همانطور که در اول گزارش ذکر شد، شرایط ویژه، مشکل مالی و کمبود کادر مانع عمده گسترش بموقع برنامه‌ها و ایده‌های ما بوده است، ولو اینکه حقانیت برنامه و درستی راهمان و صادقانه بودن تلاشهایمان که طبقاتی بودن یکی از جلوه‌های بارز آن است، خود امکان پروسه نوسازی و نزدیکی و پیوستن گروهها و افراد همنظر را فراهم می‌نماید. تأمین مالی برگزاری نشست‌ها و انجام گفتگوها در این حوزه هم از مشکلات شورای مرکزی بوده است. که این موضوع نقاط ضعف آنرا نمی‌پوشاند. در این رابطه البته دست همه رفقا برای بحث و گفتگو و مذاکره با رفقای سازمان و همنظر در محل کار و زیست باز بوده است. بنابراین در جذب افراد و گروهها بر اساس چارچوب حداقل نظری اعلام شده محدودیتی بجز آنچه شامل همه ما می‌شد نبود. همه جا می‌شد رفقا را نسبت به شرکت در ساختمان نظری و تشکیلاتی تشکل دعوت به همکاری کرد (در اینجا البته منظور رفقای هستند که به لحاظ امنیتی نیز مشکلی نداشته باشند). لازم به یادآوری نیست که تشکیلات ما از دل سازمانی بدر آمده که ۲۷ سال قبل تأسیس شده است. ما با دریایی از انسانهای با تجربه، کارکرده و کمونیست که در عین حال ریشه‌های عمیقی در اجتماع ایران دارند مواجه هستیم که باید راه تبادل نظر، همکاری و همپیوستگی با آنها را پیدا کرد. در این رابطه تلاشهای پرثمری انجام گرفته که گزارش کامل‌تر آن در جزوه درونی آمده است و از طرف کنگره انتقاداتی نیز از جمله در رابطه با کم‌کاری در ایجاد زمینه‌های بهم پیوستن رفقای پراکنده سازمان و یا گروهها و محافل متعلق به این طیف (طیف اقلیت) وارد شد که قرار شد در این زمینه اقدامات مشخص‌تری انجام پذیرد.

توزیع

سیستم توزیع بعنوان یکی از بخشهای حساس هر تشکلی محسوب میشود. در صورت وجود بی‌نظمی، کم‌کاری و نامنظمی در این بخش و نرساندن بموقع انتشارات بدست خوانندگان، تمام زحمات بخشهای دیگر نیز به هدر میرود. در این زمینه بویژه مهم است که بدانیم نشریاتمان بعد از چاپ چگونه توزیع میشود؟ چه زمان ارسال میشوند؟ چه وقت دریافت می‌شود؟ چه قدر هزینه بر میدارد؟ نظر و عکس‌العمل خواننده چه است و... تا بشود تیراژ واقعی نشریه، مخارج پست، ایجاد نظم و اطمینان از اینکه تعداد معینی از خوانندگان، نشریه را بطور منظم دریافت میکنند را بوجود آورد، تسهیل و تغییر سازماندهی ارسال، ایجاد رابطه متقابل بین دریافت‌کنندگان نشریات و رفقای که موظف به رساندن بموقع نشریات به آنها هستند، ایجاد رابطه متقابل برای نظرخواهی در مورد مقالات موضعگیریها، بودجه‌بندی دقیق و پاسخ‌گویی مشخص و... از جمله مواردی است که یک شبکه منظم توزیع باید مدنظر قرار دهد. ما از مدتها قبل از این پروژه نوسازی را در بخش توزیع آغاز نموده‌ایم که نیاز به همکاری بیش از پیش کلیه رفقا دارد تا به یک توزیع ایده‌آل، منظم و مدرن ارتقا یابد. اما انتقاداتی بطور مشخص در زمینه توزیع، هم به مرکز توزیع و هم به مراکز فرعی‌تر توزیع و رفقای که برای توزیع، بیش از یک شماره نشریه دریافت میدارند، وارد شد. از این رو با وجود اینکه توزیع با تلاش رفقای دست اندرکار بهتر شده و نظم بیشتری بخود گرفته است، اما هنوز، در رساندن نشریه به مراکز و محافل و آدرسهای مختلف در داخل، یافتن راههای کم‌هزینه کردن توزیع، تحقیقات و تلاشهای لازم انجام نگرفته است. برآورد مخارج توزیع کل، ارسال بموقع گزارشات توزیع دارای کمبود است.

توزیع اطلاعیه‌ها

توزیع منظم و بموقع اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها، اهمیتی بر مراتب بیشتر از توزیع سایر انتشارات دارد. در شرایط کنونی اطلاعیه، نه تنها یکی از مهمترین ابزار افشاگری سیاسی محسوب میشود، بلکه با

توجه به محدودیتهای موجود، یکی از وسایل مهم تبلیغ و ترویج هم هست. و این وسیله زمانی کارآئی دارد که بر تمامی مراحل تهیه، تنظیم و توزیع آن نظم و تحرک لازم حکمفرما باشد. در این زمینه از این نظر که با مدرنیزه شدن سیستم توزیع اطلاعیه‌ها، هم اکنون دهها مرکز فرهنگی، رسانه گروهی، خبرگزاری و حزب و سازمان در داخل و خارج کشور همزمان اطلاعیه‌ها و اوراق تبلیغی ما را دریافت میکنند، مورد تقدیر شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. اما کنگره توصیه کرد که این تلاشها نباید حالت رقابت بخود بگیرد، بلکه اولاً میزان تأثیر آن و ثانیاً نحوه و وسعت انعکاس آن در داخل، میان محافل کارگری، روشنفکری و توده‌های مردم باید مدنظر باشد.

مالی

با توجه به اهمیت بخش مالی و وجود نواقص و نارسائیهائی در این بخش، از اوایل سال گذشته در راستای تخصصی کردن حوزه‌های کاری، تغییراتی در این بخش بوجود آمد و حوزه جدید موظف شد، تا بخش مالی را متناسب با سیستم مدرن حسابداری سازماندهی نماید، تدارکات، مالی، تعیین بودجه تمامی ارگانها از هماهنگی تا کوچکترین واحد، نظارت بر مخارج، جمع‌آوری کمک‌های مالی، ایجاد امکانات انتفاعی و غیره بر عهده این ارگان و تنها از طریق مشورت با آن و جلب توافق آن صورت گیرد. این پروژه تا مقطع کنگره نتایج مثبتی به همراه داشت که مورد تأیید و تشویق قرار گرفت. بالاخره با طرح و بررسی موارد دیگر و نیز پیشنهادات شورای مرکزی و بحث و بررسی سایر پیشنهادات، کنگره موارد زیر را بتصویب رساند.

تصمیمات

۱- طرح اجمالی پیشنهادی اساسنامه و برنامه برای آغاز بحث در سطح سازمان و جنبش بررسی شد و کنگره تصویب کرد که با تکمیل‌تر شدن این طرحها از سوی کمیسیون مربوطه، انتشار علنی یابند و تا کنگره دوم مبانی برنامه‌ای نشست نهم و سایر مواضع اتخاذ

تبدیل شدن به یک شکل طبقاتی و مدافع جنبش کارگری را تصویب نمود، کنگره همچنین به گسترش مبارزه ایدئولوژیک کمونیستها در «اتحاد چپ کارگری» در راستای حل بحرانها، اختلافات و انحرافات جنبش کمونیستی و ایجاد زمینه‌های وحدت و انسجام آن تأکید نمود.

۷- امور مالی: مسئول بخش مالی سازمان با ارائه گزارش سالانه و ترازنامه کتبی و شفاهی و پاسخ به سوالات، کنگره را در جریان درآمدها و مخارج سازمان قرار داد و سپس کمیسیون ویژه بازرسی از سوی کنگره انتخاب و به بررسی دفاتر مالی پرداخت و گزارش بخش مالی به تأیید کنگره رسید.

۸- در پایان انتخابات شورای مرکزی سازمان با رای مخفی شرکت‌کنندگان انجام گرفت و تهیه پیام‌ها به شورای منتخب واگذار گردید. سپس کمیسیون مرکزی بازرسی انتخاب شد و شرکت‌کنندگان در کنگره با سرود انترناسیونال با موفقیت به اجلاس خود پایان دادند.

در پایان اجلاس، بیست و هفتمین سالگرد تأسیس سازمان و نوزدهمین سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه جشن گرفته شد.

شرکت‌کنندگان در کنگره در سالتی که با تابلوهائی از مارکس، انگلس، لنین و جانبختگان سازمان و پرچم سازمان مزین شده بود، به سرودخوانی ورقص و پایکوبی پرداختند.

۸ اسفند ماه ۱۳۷۶، شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست

آموزش و پرورش اعضا و کادرهای توانا به اداره امور و رهبری مدبرانه سازمان و فقدان رهبران عملی جنبش بوده است. برای فائق آمدن بر این ضعف‌ها که از طرف کمونیستهای سازمان همیشه مورد انتقاد جدی قرار گرفته است، مقرر شد تا بموازات فراهم آوردن ملزومات این امر، برنامه آموزشی و مطالعاتی معطوف به برنامه و اساسنامه و تعیین استراتژی و تاکتیکها بر اساس مطالعه شرایط ایران و جهان، بصورت زمانبندی شده در دستور قرار گیرند، کنفرانس‌هائی بمنظور تبادل نظر، انتقال تجربیات و جمع‌بندی نظرات برگزار گردد و پرورش اعضا و کادرهای توانا به شعار عملی این دوره تبدیل شود.

۵- کنگره مقرر کرد تا باتوجه به پراکندگی نیروها، با مدرنیزه کردن وسایل ارتباطی و ارتقای توانائی اعضا در استفاده از این وسایل، در تبلیغ و ترویج، بسط دموکراسی درون تشکیلاتی و تامین امکان مشارکت بیشتر عموم اعضا در سیاست‌گذاری و هدایت فعالیتهای سازمان با استفاده از این وسایل، مد نظر شورای مرکزی سازمان قرارگیرد.

۶- بحث حول اتحاد چپ کارگری یکی دیگر از مباحث کنگره بود که با ارائه گزارش از سوی نماینده سازمان و عضو هماهنگی اتحاد چپ کارگری، آغاز شد و کنگره با تأکید بر مصوبات و خط و مشی تاکنونی سازمان در این خصوص، با ۸۵٪ آرای شرکت‌کنندگان در کنگره حضور و تلاش سازمان برای رفع موانع آن در جهت

شده همچنان چارچوب برنامه‌ای و اساسنامه‌ای سازمان را تشکیل دهند.

۲- سیاست سازمان در راستای نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی مورد بحث و بررسی کنگره قرار گرفت و با توجه به انتقادات و پیشنهادات کنگره قطعنامه مصوب نهمین نشست سازمان با تأکید بیشتر تأیید شد. قرار شد با تعیین اولویت‌ها، در این زمینه تلاش بیشتری انجام پذیرد. در این راستا تصویب شد که نشریه «به‌پیش درراه نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی» به مباحثات همه نیروهای جنبش کمونیستی تعلق داشته باشد.

۳- سپس رئوس وظایف در راستای مواضع پایه‌ای سازمان تعیین شد و کنگره با تأیید فعالیت گسترده در خارج کشور در جهت افشای جمهوری اسلامی و جلب حمایت از جنبش کارگری و توده‌های زحمتکش مردم ایران، به تلاش جهت تدارک امکانات تبلیغی و ترویجی و سازمانگرانه در کشور و ایجاد پیوند نزدیک با جنبش کارگری تأکید کرد.

۴- نوسازی و پرورش اعضا و کادرهای مسلط به سوسیالیسم علمی و برنامه و اساسنامه، منضبط و قادر به رهبری و اداره امور سازمان درحوزه‌های مختلف فعالیت آن، یکی از مهمترین مباحث کنگره بود.

یکی از مشکلات و ضعف‌های اساسی جنبش کارگری و کمونیستی و سازمان ما در شرایط سلطه پوپولیسم واپورتونیسیم، شکل‌گیری بوروکراتیسم و «رهبران» جدا از توده و فقدان

اطلاعیه

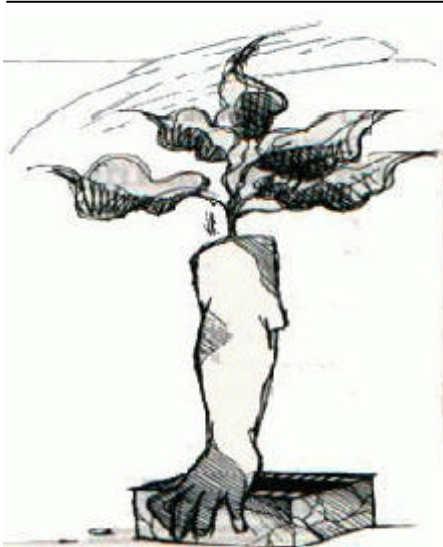
برگزاری اولین پلنوم شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست

بعد از پایان کنگره اول که در بهمن ماه ۱۳۷۶ برگزار گردید، شورای مرکزی منتخب کنگره، اولین پلنوم خود را در حضور و نظارت و مشاورت آزاد شرکت‌کنندگان در کنگره برگزار کرد. این پلنوم ضمن بررسی وظایف، تعیین اولویتهای و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، با انتخاب هیأت اجرایی شورای مرکزی، مسئول هماهنگی و اعضای هیأت تحریریه نشریات، به اجلاس خود پایان داد.

شورای مرکزی

اتحاد فدائیان کمونیست

۸ اسفند ماه ۱۳۷۶





گزارش سیاسی ایران و جهان

جامعه بحران زده سرمایه داری در آستانه هزاره سوم آستن تحولات و تنش های بزرگی است که علام آن را میتوان بوضوح در چهار گوشه جهان مشاهده کرد. تحلیل صحیح اوضاع سیاسی امروز جهان و چشم انداز رویدادهای آتی آن، قبل از هر چیز مستلزم بررسی و شناخت تغییر و تحولاتی است که بلحاظ کیفی در نیروهای مولده سرمایه داری بوقوع پیوسته است.

*

این تغییر و تحولات که خود حاصل ادغام کامل علوم و تولید و نتیجه برقراری اصل سبیرنیتیک بجای اصل مکانیک در پروسه تولید است، موجبات رشد و توسعه بی سابقه نیروهای تولیدی را فراهم نموده و ساختار رشد صنعتی و تولیدی سرمایه داری را دگرگون کرده است.

بواقع همانگونه که انقلاب صنعتی از اواسط قرن هیجدهم با ماشین بخار و دستگاههای ریسندگی و بافندگی اش بتدریج شیوه تولید مانوفاکتوری را بلحاظ فنی متحول ساخته و سرانجام در اواسط قرن نوزدهم با ماشینیسیم و صنایع بزرگ خود تقسیم کار مانوفاکتوری را از هم پاشیده بود؛ بهمان سان انقلاب علمی و تکنولوژیک نیز از نیمه دوم سده بیست با انرژی اتمی و بیولوژیکی و رباتیک، شیوه تولید صنعتی را دگرگون نموده و با سرعتی چشمگیر و تنها در طول دو دهه، تقسیم کار ناشی از انقلاب صنعتی را کاملاً زیر و رو کرده است. در این تقسیم کار اجتماعی است که هرگونه اختلاف اساسی میان کار فکری و یدی از بین میرود، روابط ارزشی به تمامی حوزه های فعالیت اجتماعی بسط می یابد؛ اقشار مختلف خرده بورژوازی بیش از پیش به صفوف طبقه کارگر رانده میشود و لذا مدام بر کمیت و کیفیت طبقه کارگر افزوده میگردد.

*

پدیده مهم دیگر دنیای امروز، جهانی شدن اقتصاد است. این امر بهمان میزان که سرآغاز دوران طلائی دیگری برای سرمایه داران و سلاطین مالی محسوب میگردد، بهمان اندازه برای صدها میلیون انسان کارگر و زحمتکش طلیعه یکی

از سیاهترین دوره های تاریخی است. در سراسر تاریخ هیچگاه امکانات و شرایط مادی صلح و رفاه و خوشبختی بشریت اینچنین به وفور مهیا نبوده و با اینحال، هرگز جامعه انسانی تا این درجه به پرتگاه بربریت و تباهی سوق داده نشده است. زیر سلطه جنون آمیز سرمایه، هیولای جنگ و ویرانی و محرومیت از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، بر حیات و سرنوشت صدها میلیون انسان سایه افکنده است؛ بیش از شصت کشور جهان درگیر جنگ و نزاع داخلی و خارجی اند؛ ۲۷ میلیون نفر جنگ زده، خانه و کاشانه خود را رها ساخته و آواره کمپها و دشت و بیابان شده اند؛ ۷۸۰ میلیون تن از مردم جهان گرسنه اند و همه ساله بیش از ۱۲ میلیون کودک در اثر فقر و گرسنگی هلاک میشوند. این منظره سیاه، بیان حاکمیت بلامنازع سرمایه و ارمغان «نظم نوین» جهان بورژوائی برای بشریت متمدن است. نظمی که مصمم است هرج و مرج و جنگ و غارتگری را در ابعادی عالمگیرتر مستقر سازد.

*

موضوع دیگری که در تحلیل ما از اوضاع جهان سرمایه داری حائز اهمیت است و بایستی مورد توجه قرار گیرد، مسئله بهم خوردن موازنه نیروی سابق و ضرورت باز تقسیم جهان بر پایه تناسب قوای جدید انحصارات امپریالیستی است.

تشکیل بلوک بندیهای جدید امپریالیستی سرفصل تازه ای از رقابت و مبارزه بر سر تجدید تقسیم جهان را باز گشوده است. یورش اخیر این بلوک بندیهای متضاد به بازارهای بورس جهان بویژه در مکزیک و سپس آسیای جنوب شرقی (که طی آن «برها» و «اژدها»های آسیا یک شبه بلعیده شدند) تنها پیش درآمد حملات و سقوطهای مالی آتی است.

در ضمن اگر بریتانیای کبیر قوه برتر سرمایه داری قرن نوزدهم بود، اگر ایالات متحده آمریکا ابرقدرت سرمایه در قرن بیستم محسوب میگردد، اینک بلوک متحده اروپا در تلاش است که به نیروی معظم سرمایه داری جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل

گردد. این امر بدون شک در آینده مقاومت شدیدتر آمریکا، ژاپن و حتی روسیه را در پی خواهد داشت که امکانات رویارویی نظامی بلوکهای امپریالیستی، این غولهای مالی و میلیتاریستی جهان را هرچه بیشتر تقویت خواهد کرد.

*

یکی دیگر از نتایج سیاسی و اجتماعی تحولات اخیر، تضعیف فزاینده نقش اقتصادی - سیاسی دولتهای ملی و به همراه آن، زوال قطعی «دولت رفاه» سرمایه داری است.

اگر تاکنون دولتهای ملی می توانستند از طریق اختیاراتی نظیر تعیین سیاستهای مالیاتی، تنظیم مقررات گمرکی و کنترل ارز داخلی در اتخاذ برخی هدفهای عمومی اقتصادی نقش کم و بیش مهمی داشته باشند، اکنون با از دست دادن کامل این اختیارات و محو شدن تدریجی هرگونه کنترل دولتی بر پول، این دولتها حتی در امر تنظیم تقاضا و تامین هزینه های اجتماعی نیز مستاصل مانده اند. بدین ترتیب دولتهای ملی آخرین ابزار اعمال قدرت اقتصادی خود را از دست داده و از پیشبرد هرگونه سیاست مستقلی باز می مانند.

این واقعیت امروز بویژه در اروپای غربی که زمانی مظهر «جامعه رفاه» و الگوی دولتی سوسیال دمکراسی بشمار میرفت، بارز و برجسته است.

از سوی دیگر اگر در این جوامع دولتهای ملی پیش از این قادر بودند از طریق بانک مرکزی خود بر امور مالی کشور کنترل و نظارت کنند، اکنون اما بانک مرکزی هریک از این ممالک صرفاً شعبه ای محسوب میگردد که (SEBC) از بانک مرکزی اروپا بر اساس نیاز و تشخیص سرمایه مالی، عملاً میتواند هر سیاست اقتصادی و مالی دلخواهی را به دولت و دولتمردان اروپائی دیکته کند.

ماده ۱۰۷ معاهده ماستریخت، فاتحه مرگ دولتهای ملی را با چنین جملاتی میخواند: نه بانک مرکزی اروپا، نه هیچیک از بانکهای مرکزی ملی و نه هیچ عضو دیگر ارگانهای تصمیم گیرنده ملزم نیست از دستورات نهادهای اروپائی، حکومتی یا دولتهای عضو

و یا هر ارگان دیگری تبعیت کند.

بعبارت دیگر، از این پس حتی کوچکترین تصمیمات و سیاستهای اقتصادی جامعه را نیز نه نمایندگان پارلمان یا اعضای دولتهای ملی بلکه سلاطین مالی بازارهای بورس اتخاذ خواهند کرد.

*

در چنین شرایطی است که موج عظیم خصوصی سازی مطابق برنامه و نقشه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بالا گرفته و هیچ بخش اقتصاد دولتی از تاراج سرمایه داران و سوداگران مالی در امان نمانده است. در مناطق و کشورهای تحت سلطه از آفریقا و خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین و خاور دور، مهمترین بخشهای اقتصاد نظیر معادن، انرژی، ارتباط تلفنی، خدمات عمومی، زمین و جنگلها، یکی پس از دیگری به تملک خصوصی سرمایه داران داخلی و خارجی در می آیند.

در کشورهای بلوک شرق سابق، تاکنون بیش از ۲۰۰۰ هزار موسسه بزرگ تولیدی خصوصی شده اند و هم اینک غارت و تاراج ثروتهای عمومی در این کشورها، با سرعت خصوصی کردن ۸۰۰ موسسه تولیدی در ماه به پیش می رود. در آمریکا و اروپای غربی نیز همین روند با شدت و حدت تمام جریان دارد. در آلمان، انگلیس فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، هلند، دانمارک، سوئد، اتریش، نروژ، فنلاند، پرتغال و یونان صدها شرکت بزرگ و خدمات عمومی نظیر پست و راه آهن و برق و گاز با ارزشی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار و با میلیونها کارگر شاغل، در معرض غارت و چپاول بخش خصوصی قرار گرفته اند.

*

یکی دیگر از عوارض موندبالیزاسیون و جهانی تر شدن اقتصاد سرمایه داری، گسترش فشارهای اقتصادی و سیاسی به طبقه کارگر کشورهای پیشرو صنعتی است.

سرمایه جهانی اگر از یک جنبه در جهت کاهش اختلاف شمال و جنوب گام برداشته باشد، همانا از این جهت است که بسیاری دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر را باز پس گرفته و از این طریق دامنه بیکاری، فقر و فلاکت عمومی و بی حقوقی مطلق جنوب را به سرتاسر شمال ثروتمند توسعه میدهد. طی سالهای گذشته میلیونها نفر به تعداد بیکاران

جامعه بر همگان و از جمله بر بخش مهمی از بورژوازی حاکم نیز اثبات شده است. روزی نیست که طبقه کارگر برغم تداوم جو ترور و سرکوب دست به شورش و اعتصاب نزند؛ روزی نیست که دانشجویان و روشنفکران جامعه ضد رژیم دیکتاتوری و اختناق مذهبی مبارزه نکنند؛ روزی نیست که صدای اعتراض زنان علیه پامال شدن حقوق شان بگوش نرسد و نسل جوان تنفر و انزجار خود را از مظاهر جامعه اسلامی بنمایش نگذارد. از سوی دیگر امروزه رژیم اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که آخرین بقایای پایگاه اجتماعی خود را از دست داده و حتی بخش وسیعی از «امت حزب الله» نیز در برابر آن صف آرایی کرده اند.

در چنین شرایطی است که بخش رشدیابنده ای از بورژوازی حاکم، نه فقط نظام مبتنی بر ولایت فقیه را ضامن امنیت و حفظ حاکمیت سرمایه نمی یابد بلکه اساسا دایره مناسبات اجتماعی موجود را مانعی بر سر راه رشد و توسعه سرمایه های خویش تلقی میکند و از همینرو خواهان اصلاحاتی در ساختار حکومتی است.

این بخش از طبقه بورژوازی اینک خود را نه تنها در میان سران و دست اندرکاران رژیم سازمان داده است، بلکه همچنین پشتیبانی وسیع اپوزیسیون بورژوائی و محافل امپریالیستی را بخود جلب کرده و لشکری از خودفروختگان سیاسی را نیز برای جلب حمایت توده های مردم اجیر و بسیج نموده است.

افشای ماهیت فریبکارانه شعارهای این بخش از بورژوازی و پرده برداری از تلاش ضدانقلابی جریاناتی که با حمایت پوشیده و آشکار از این جناح، عملا به نجات جمهوری اسلامی و دفاع از نظام سرمایه داری برخاسته اند، یکی از مهمترین وظایف ما در شرایط کنونی است.

ما همچنین بایستی هرچه بیشتر این واقعیت را به توده های کارگر و زحمتکش گوشزد کنیم که تلاشهای استحاله طلبان در ایران تا آنجائیکه به اوامر و نیازهای سرمایه جهانی مربوط میشود، امری جدی و ضروری است و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قادرند در این راه نه از اصل ولایت فقیه که از تمامی «اصول الدین» شان گذشت کنند. معهذا گرایش روز افزون سرمایه جهانی به سمت ارتجاع سیاسی بیانگر این حقیقت است که بورژوازی ایران

کشورهای پیشرفته سرمایه داری افزوده شده است؛ سطح دستمزد کارگران این کشورها آشکارا زیر پا گذاشته میشود؛ سندیکالیستها و کارگران مبارز هدف مقدم بیکارسازی ها واقع می گردند و در اوج بیکاری زنان و مردان کارگر، استثمار میلیونی کودکان در قلب اروپا رواج و گسترش می یابد.

*

در برابر ستم وحشیانه ای که سرمایه به توده جهانیان روا کرده و میکند، طبقه کارگر جهانی نیز متقابلا با ترکیب و آرایش نوینی پا به عرصه مبارزه گذاشته است.

در آمریکا، جنبش کارگری این کشور پس از چندین دهه شکست و عقب نشینی سرانجام به یک پیروزی تاریخی دست مییابد. در آسیا، در آمریکای لاتین و سراسر اروپا و بویژه در فرانسه، آلمان، ایتالیا و بلژیک جنبشهای کارگری در حال رشد و گسترش اند. در همین حال دهها میلیون بیکار اروپایی از حالت تسلیم بدر آمده و با سازماندهی خویش، به مقاومت و مبارزه علیه سرمایه داران روی می آورند.

در همه ممالک، بیکار انقلابی طبقه کارگر علیه نظم جهانی سرمایه داری رو به اعتلاست.

*

آنچه در رابطه با اوضاع و احوال سیاسی جامعه ایران جلب توجه میکند، قبل از هرچیز تلاش جدی و بیسابقه یک بخش از بورژوازی حاکم بمنظور اجرای یکرشته تغییر و اصلاحات در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی است.

این تلاش که در حقیقت از زمامداری رفسنجانی و عمدتا با هدف جلب سرمایه های داخلی و خارجی آغاز شده بود، بویژه پس از آخرین دور انتخابات ریاست جمهوری و با روی کار آمدن خاتمی، بعد تازه ای بخود گرفته و از همینرو تب و تاب شدیدی را در محافل اپوزیسیون بورژوائی داخل و خارج کشور دامن زده است.

مضمون واقعی این تلاشها اگرچه در متن تحولات عمومی دنیای سرمایه داری و گرایشات سرمایه جهانی قابل درک و بررسی است؛ با اینهمه بایستی در این مورد به چند نکته مهم اشاره نمود.

نخست آنکه پس از گذشت قریب دو دهه از حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ناتوانی این رژیم در حل کوچکترین معضلات سیاسی و اقتصادی



پیام اولین کنگره فدائیان کمونیست به کارگران ایران!

رفقای کارگر، کارگران مبارز!

اگر سال گذشته را سال برآمد جنبش کارگری بنامیم، اغراق نگفته ایم. اکنون که اجلاس کنگره ما رو به پایان است، ده ها اعتصاب، تظاهرات و اعتراض کارگری در جریان است. طلعه های جنبش کارگری، در مقابله با بحران اقتصادی، بیکاری و گرانی و سرکوب و ستم و استثمار حاکم بر کشور، امیدواری بزرگی را برای تمامی مردم زحمتکش ایران بویژه اقشار محروم جامعه، به ارمغان آورده است.

بیجهت نبود که رهبران جمهوری اسلامی تلاش کردند تا با توسل به نتایج انتخابات ریاست جمهوری و با براه انداختن قیل و قال تبلیغاتی، نگذارند صدایتان بگوش کارگران و توده های بجان آمده مردم ایران که مبارزات شما تنها نقطه امید آنها به رهائیس، برسد.

نشریات، روزنامه ها و رسانه های گروهی وابسته به رژیم و اپوزیسیون طرفدار آنها اجیر کردند تا اخبار مبارزات شما در نشریات شان، محلی از اعراب نداشته باشد. در عوض همه را سرگرم بازیهای بکنند که همیشه در جمهوری ننگ و نکبت وجود داشته و خواهد داشت.

اما پژواک مبارزات و صدای شما کارگران مبارز، از ورای پرده زخیمی که بر آن هایل نموده و مینمایند، همه جا طنین افکنده است.

امروز مبارزات شما علیه بیکاری، گرانی، و خواستهای شما مبنی بر حق تشکل، مسکن، بهداشت، بیمه، حق اعتصاب، تظاهرات، آزادی بیان و... نه تنها دفاع از حقوق برحق کارگران است، بلکه دفاع از حقوق اولیه آن اکثریت محرومی است که علی رغم ده پانزده ساعت کار طاقت فرسای روزانه، اما قادر به تأمین مایحتاج اولیه زندگی خود هم نیستند. مبارزات شما نه تنها مبارزه در محدوده کارخانه و مراکز کارگری، بلکه مبارزه با آن اقلیت محدود و ثروتمندبست که با حمایت دولت که خود سرمایه دار بزرگیست، خون مردم را در شیشه کرده اند و تمام دستگاه جهنمی ظلم و ستم و شکنجه و زندان و نیروهای امنیتی، پاسدار و کمیته چپی را برای سرکوب شما زیر فرمان دارند. پس مبارزات ما ناگزیر از حدود مبارزات صنفی پافراتر مینهد و به مبارزه سیاسی و همه جانبه علیه طبقه حاکم گره میخورد.

اما مبارزه پراکنده ما بانظامی که حتی حاضر نیست ابتدائی ترین خواستهای ما را برسمیت بشناسد، هرچند هم رادیکال بوده باشد، کار بجائی نمیرسد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

تشکیلاتی که هم پاسخگوی مبارزات صنفی ما باشد، یعنی تشکیلات های اتحادیه ای نظیر اتحادیه ها، سندیکاها، و کمیته های کارخانه و غیره و هم تشکیلاتی که در سطح سیاسی و سراسری ما را متشکل کند؛ نظیر احزاب و سازمانهایی که کارگران پیشرو و کمونیست را در خود متشکل میکند و مبارزه طبقاتی کارگران را در مقابل سایر طبقات و احزاب متعلق به آنان، سازماندهی و رهبری میکند.

بعلاوه، ما کارگران باید خود را برای اشکال دیگر سازماندهی و مبارزه نیز مجهز کنیم و ضمن استفاده از هر روزنه و امکانی برای به کرسی نشاندن خواستهایمان، خود را برای سازماندهی اعتصابات، اعتصابات تظاهراتی، اشغال کارخانه، ایجاد کمیته های مخفی کارخانه، سازماندهی شوراها، یادگیری اشکال قهرآمیز مبارزه، سازماندهی قیام و بدست گرفتن امور کشور و... مجهز کنیم.

تجربه قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ و قیامهای پیروزمند و شکست خورده تاریخ، نشانگر آنست که بدون آمادگی همه جانبه طبقه کارگر، هیچگونه تضمینی برای پیروزی قیام و حتی حفظ دست آوردهای نیم بند آن هم امکان پذیر نخواهد بود و چه بسا قیام و جانفشانی توده ها به استقرار ارتجاع دیگری منجر شود.

ما کارگران و روشنفکران کمونیست متشکل در اتحاد فدائیان کمونیست، بمثابة بخشی از پیکره عظیم جنبش کارگری و کمونیستی ایران بارها گفته و باز هم میگوئیم که هیچ سازمان، حزب و گروه و دسته و قشر و فرقه ای با صلاحیت تر و قدرتمندتر از نمایندگان شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان، یعنی نمایندگان اکثریت مردم نیست که سرنوشت سیاسی کشور را در دست گیرند و جامعه را به سمت آزادی و عدالت اجتماعی هدایت کنند. هیچ نیروی اجتماعی را یارای آن نیست که در شرایط مطلوب بفوریت طبقه کارگر به تشکیل چنین قدرت آزاد و متکی به ارگانهای توده ای مبادرت ورزد و جامعه را در راستای تحقق مطالبات اهداف و آرمانهای انسانی هدایت کند.

رفقای کارگر! ما کارگران و روشنفکران شرکت کننده در نخستین کنگره فدائیان کمونیست، دروهای گرم خود را نثار شما میکنیم و در راه رزمی مشترک و متحد علیه سرمایه دستان شما را بگرمی میفشاریم.

شرکت کنندگان در نخستین کنگره اتحاد فدائیان کمونیست

بهمن ماه ۱۳۷۶

حتی در صورت استحاله «لیبرالی» رژیم، در قبال نیازهای دمکراتیک جامعه و مطالبات رفاهی توده مردم هیچ پاسخی جز خشونت و سرکوب و کشتار نخواهد داشت.

از سوی دیگر بایستی توجه داشت که تلاشهای اصلاح طلبانه بخشی از بورژوازی ایران، اگرچه با هدف حل بحران حکومتی و تثبیت نظام موجود اتخاذ شده اند، لیکن از هم اکنون به بحران عمیقتری در درون حاکمیت دامن زده و شرایط نابودی رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش فراهم می سازد. تشدید مبارزه انقلابی برای سرنگونی این نظام و برچیدن کامل بساط سرمایه دارانی که خاتمی مظهر و سمبل ترقی خواهانسان محسوب میگردد، محور سیاستهای ما و همه فعالین جنبش کمونیستی است. مبارزه سرسخت طبقاتی در پیش است و جنبش کمونیستی باید با تکیه بر نیروی لایزال طبقه کارگر، با پرچم استقرار دولت کارگری، الغاء مالکیت خصوصی بورژوائی و برقراری مالکیت اجتماعی بیش از هرزمان دیگری خود را برای برپایی انقلاب سوسیالیستی آماده کند.

کمک های مالی خود را به حسابهای زیر واریز و قبض آن را به همراه کد دلخواه خود، برای ما بفرستید.

در داخل سوئد:

EFK

Sparbanken

Clearingsnr: 8201-6

Kontonr: 4438657-1

خارج از سوئد:

EFK

SWEDBANK

S-404 80 Göteborg

Sweden

Clearingsnr: 8201-6

Kontonr: 448657-1

۱۹ بهمن ماه، بیست و هفتمین سالگرد تاسیس سازمان و ۲۲ بهمن ماه، نوزدهمین سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه را گرامی می‌داریم

زیر چتر درخواستهای عموم خلقی و در حالت رکود مبارزه طبقاتی می‌توانست دوام بیاورد. بنابراین با رشد نظام سرمایه‌داری و تشدید مبارزه طبقاتی، و پرچمداری مبارزه علیه شاه بوسیله اقشار دیگر اجتماعی از جمله مذهب‌یون، آنرا بالاجبار به اجزای تشکیل‌دهنده خود تقسیم کرد و با وجود تلاش و کوشش و جانفشانی کمونیستهای این جنبش، قادر نشد به پیوند منطقی با کارگران و زحمتکشان و روشنفکران و جوانان برخاسته از این طبقات مادیت بخشیده و به نیاز واقعی جنبش انقلابی به یک حزب پیشرو کارگری جهت پیروزی قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷ در راستای منافع کارگران و زحمتکشان مادیت بخشد.

امروز که ۲۷ سال از حیات سازمان می‌گذرد، علی‌رغم کشتار فدائیان در دو رژیم شاه و شیخ و با وجود پراکندگی حاکم بر حیات آن، هنوز بخشی از وظایف مبارزه برای آزادی، بهروزی و سوسیالیسم در کشور ما بر دوش همین نیروهاست که پیش برده می‌شود و با توجه به پایگاه اجتماعی و نقش تاریخی آن، طبیعی است که اتحاد فعالین آن، این بار نه بر محور نام و یا ایده‌های عام مبارزه، بلکه بر محور و بنیادهای سیاسی، نظری و در انطباق با منافع طبقاتی در شکل احزاب و تشکلهای تعریف شده، می‌تواند از ابهامات بیشتر جلوگیری کرده و در راستای نهادی شدن تشکل و تحزب براساس برنامه طبقات اجتماعی در ایران که یکی از دلایل سیاسی شکست پی در پی جنبش‌های انقلابی و اجتماعی در ایران است یاری رساند. تردیدی نیست که افراد، محافل، شخصیت‌ها و سازمانهای کمونیست نیز باید در راستای وحدت جنبش کمونیستی به پراکندگی در صفوف خود پایان دهند و از طریق نقد گذشته، اتکا به مارکسیسم و اتکا به جنبش کارگری به وحدت اصولی خود مادیت بخشند و در راستای پیروزی طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم و کمونیسم گام بردارند.

شکست قیام شکوهمند توده‌های زحمتکش و رنج‌دیده ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ نشان‌داد که بدون وجود و حضور احزاب سیاسی و طبقاتی، عظیم‌ترین قیام‌ها ولو با شرکت میلیونها نفر، چه زود می‌تواند توسط ارتجاع به شکست کشیده شود. در سالگرد ۱۹ بهمن ۴۹، حماسه سیاهکل و ۲۲ بهمن ۵۷، قیام پرشکوه توده‌های کارگر و زحمتکش مردم، تلاش کنیم تا با درس‌گیری از مبارزات پر فراز و نشیب طبقه کارگر و توده‌های مردم و با درس‌گیری از ۲۷ سال مبارزه علیه ارتجاع و ارتجاع‌خانگی، مصمانه در راه پیروزی آزادی بر اهریمن ارتجاع و پیروزی سوسیالیسم بر سرمایه‌داری و انسانیت بر دیو بربریت گام برداریم.

حماسه پرشکوه سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن، در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ما روزهای فراموش‌ناشدنی هستند. درست بیست و هفت سال قبل، بنیانگذاران سازمان ما، در پاسخ به الزامات آن مقطع از رشد و تکامل جامعه و سطح مبارزه طبقاتی و بر پایه نقد احزاب اپورتونیست، بمنظور ایجاد پیشگام جنبش کارگری و انقلابی ایران، قدم به میدان مبارزه‌ای سخت و خونین نهادند. طی مدتی کمتر از هشت سال تلاش و کوشش و نبرد بی‌امان علیه ارتجاع حاکم، نشان دادند که پیشاهنگی بهتر، رزمنده‌تر، مقاومتر، پیکارجوتر، انسانی‌تر و آینده‌سازتر از پیشاهنگ طبقه کارگر نیست.

فدائیان کمونیست و رزمنده، علیرغم اشتباهات و انحرافاتشان، پاسخ عملی خود را نسبت به نیازهای آن مرحله از مبارزه طبقاتی با شایستگی و از جان‌گذشتگی دادند. همین، جنبش فدائی را به یک جنبش اجتماعی تبدیل کرد و از لحاظ تاریخی به جایگاهی رساند که در جریان رشد آگاهی و برآمد مبارزه طبقاتی، از حمایت و پشتیبانی توده‌های مردم برخوردار شد. «فدایی» نه تنها مورد حمایت توده‌های مردم واقع شد، بلکه آگاهترین نیروهای فرهنگی جامعه، برجسته‌ترین شخصیت‌های شعر و ادب و هنر به سویش روی آوردند و بخاطر اهداف و آرمانها و از جان‌گذشتگی اعضایش در مبارزه بخاطر آزادی و عدالت اجتماعی در صفوفش به مبارزه پرداختند. جنبش فدائی از دانشگاهها و مدارس به کارخانه‌ها، مزارع و دورافتاده‌ترین و محرومترین مناطق کشور گسترش یافت و هزاران کارگر و زحمتکش را بسوی خود جلب نمود. این میسر نبود مگر به همت کمونیستهایی که تنها ثوری ن یافتند، بلکه به آنچه که می‌اندیشیدند، عمل می‌کردند. جنبش فدائیان هرچند که از همان آغاز جنبشی بود با هدف سوسیالیسم و متعلق به جنبش کارگری، معهدا چه بواسطه شرایط و سطح رشد و تکامل جامعه و چه بلحاظ تأثیرپذیری از اوضاع جهانی و اختلافات و انحرافات جنبشهای کمونیستی و انقلابی آن دوره و چه بواسطه آغاز مبارزه در یکی از خفقان‌آمیزترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران و ترکیب عمدتاً روشنفکری، نتوانست آرمانها و اهداف سوسیالیستی خود را در مسیر حرکتش پالایش نموده و در راستای آرمانهای بنیانگذارانش تداوم دهد. در نتیجه ضربات متعدد، تحمیل اشکال کاملاً زیرزمینی مبارزه، روی‌آوری افراد و عناصر روشنفکر نامتجانس بلحاظ ایده‌ها و اهداف و منافع طبقاتی، حول محور مبارزه علیه دیکتاتوری فردی شاه، بدون ترسیم دقیق چشم‌انداز این مبارزه، در نهایت به جبهه‌ای تبدیل شد که نه تنها کمونیستها بلکه گرایش‌های فکری متعددی را هم در بر میگرفت که در این ساختار تنها در

پیام کنگره به اعضا و هواداران سیفنا

بقیه از صفحه ۱۲

ما البته از اتحاد هر فرد و محفل و گروهی که نامش فدائی بوده و یا هست دفاع نکرده، نمیکنیم و نباید هم بکنیم. برای همین هم خود را فدائیان کمونیست مینامیم تا بصراحت گفته باشیم که کی هستیم. ما در راستای وحدت جنبش کمونیستی از وحدت و انسجام کمونیستهای جنبش فدائی و نوسازی سازمان بر پایه نقد گذشته، اتکا به مارکسیسم و اتکا به جنبش کارگری دفاع میکنیم. روشن است که نیروی محافظه کار نسبت به نقد گذشته، نسبت به مارکسیسم و کمونیسم، نسبت به مبارزات، اهداف و استقلال کارگران، نمیتوانند نیروی این نوسازی و بازسازی باشند.

ما شرکت کنندگان در کنگره از همه کمونیستهای جنبش فدائی صرف نظر از تعلق تشکیلاتی و همه محافل و گروهها برای شرکت در ساختمان نظری و فعالیت عملی این روند دعوت میکنیم و نه تنها کمونیستهای جنبش فدائی، بلکه در راستای وحدت و انسجام جنبش کمونیستی ایران، همه کمونیستها را به گام برداشتن در این راه فرا میخوانیم.

ما فدائیان کمونیست که بسهم خود امکانات این همیاری را بوجود آورده و در این جهت کوشش میکنیم، دست همکاری را بسوی همه شما دراز کرده و این همکاری را به هیچ قید و شرطی محدود نمیکنیم. رفقا! اتحاد آزادانه و آگاهانه و اصولی ما، به آنچنان نیروی اجتماعی در داخل و خارج کشور تبدیل خواهد شد که بازسازی پیوندهای دیرینه و امتزاج ما با جنبش کارگری و توده های مردم در راستای پیگیری اهداف آزادیخواهانه، سوسیالیستی و کمونیستی سازمان امکانپذیر گردد.

پس، به پیش در راه وحدت اصولی!

شرکت کنندگان در کنگره اول اتحاد فدائیان کمونیست

بهمن ماه ۱۳۷۶

طی این مدت، صدها و هزاران هم‌رزم در راه آرمان آزادی و سوسیالیسم و اهدافی انساندوستانه و ترقی خواهانه و سوسیالیستی با ارتجاع در هر رنگ و لباسی جنگیدند. در این پیکار زن و مرد، کارگر و دهقان، دانشجو و دانش آموز و خلاصه کلام خرد و کلان هرکس بنا به درکش و با توجه به خواستش و متناسب با منافع و مصالح خود و طبقه اجتماعی ای که از آن دفاع میکرد، شرکت کردند و چنین بود که سازمان فدائی به یک نیروی اجتماعی تبدیل شد. و هزاران دیگر به کژراهه رفتند از آرمانها و اهداف اولیه دور شدند این هم البته زیانها و ضربات خودش را داشت.

اما آنچه که باقیمانده و شاهدش هستیم و همه ما را موظف میکند آرمانهای سوسیالیستی، آزادیخواهانه، انساندوستانه و عدالت پژوهانه ای است که از زیر گرد و خاک بر پا شده بوسیله انسان ستیزان، سربلند و جوان و راهگشای بشریت برای خلاصی از ظلم، ستم، استثمار، سرکوب و بیعدالتی بدر آمده و شکوفا میشود. و فدائینی که با وجود همه ناملایمات، این باورهای بنیادین بنیانگذاران سازمان و آرمان جانباختگان آن را پاس میدارند و امروز با شفافیت دادن به آرمان آزادی و سوسیالیسم و با نقد انحرافات و ضعف های گذشته، خود را در سنگر جنبش کارگری و سوسیالیستی می یابند.

جامعه ما در این وانفسا، و بویژه طبقه کارگر و نسل جوان آن سخت نیازمند آنست که این نیرو با ریشه های عمیق اجتماعی، به پراکندگی میان خود پایان دهد خود را متشکل و متحد کند. شانه های خود را در زیر وظایفی که میباید گذشته را به حال، حال را به آینده و آینده را به پیروزی آزادی و انسانیت و سوسیالیسم بر ارتجاع پیوند زند، قرار دهد.

ما از همه شما همسنگران خواهیم تا به این ضرورت انقلابی پاسخ داده برای نوسازی سازمان خود با ما همراه باشید.

سخنی با خوانندگان؛

عزیزان!

هزینه های چاپ و توزیع کارکمونیستی امکان پخش رایگان نشریه را به ما نمی دهد.

از طریق اشتراک کارکمونیستی می توانید آنرا مستقیماً دریافت کرده و با اینکار به تداوم انتشار آن کمک کنید.

هزینه آبونمان معادل هزینه پست آن است.

لطفاً فرم زیر را پر کرده و به آدرس نشریه ارسال کنید.

Name: _____

C/O: _____

Address: _____

Zip-code: _____ City: _____

Country: _____



و شماره تماس با اتحاد فدائیان
آر د ر س ا
کمونیست:

kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/Sweden

شماره فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.se

آدرس غرضه ما در اینترنت
www.fedayi.se

پیام کنگره اول اتحاد فدائیان کمونیست به کلیه اعضا، فعالین و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

از جمله کارگران پیشرو، روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان
و سایر رفقا و همزمان راه آزادی و سوسیالیسم!

رفقا!

در بیست و هفتمین سالگرد تأسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
و در نوزدهمین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ماه ۱۳۵۷، دروهای گرم
وانقلابی ما، شرکت کنندگان در کنگره اول اتحاد فدائیان کمونیست، را
پذیرید.

رفقای گرامی!

اجازه بدهید بدون هیچگونه مقدمه ای پیرامون اوضاع اقتصادی و
اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور و بدون توضیح مکرر ضرورت
حضور یک جریان سیاسی انقلابی، اجتماعی، سابقه دار و با
استخوانبندی طبقاتی قوی در صحنه مبارزات کارگران، زحمتکشان
و مردم محروم ایران، با شما سخن بگوییم.

رفقا! بیست و هفت سال قبل سازمان ما علی رغم تمام ضعف ها و
انحرافاتش با هدف ایجاد حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و مبارزه برای
رسیدن به جامعه ای آزاد و عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب،
تأسیس شد. سازمان ما تا کنون فراز و نشیب های زیادی را از سر
گذرانیده است. همه ما که در این سنگر مبارزه کرده ایم، از نزدیک
شاهد این فراز و نشیب ها و تحولات بوده ایم؛ از یک طرف تحولاتی
امیدوارکننده، رو به تکامل و معطوف به اهداف سوسیالیستی و
انسان دوستانه و از طرف دیگر تحولاتی ناامیدکننده و ضربه زننده به
اهداف فوق. سرعت و جوشش و پوییش تحولات در اعماق جامعه طی این
سالها و انعکاس آن در احزاب و سازمانهای سیاسی از جمله سازمان ما
که بیشتر به جبهه میمانست تا یک سازمان طبقاتی معمول، بنحوی بود
که آنرا به اجزای تشکیل دهنده خود تقسیم کرد.

بقیه در صفحه ۱۱

اعضای تحریریه:

آذراوغلی	ب آزاد	ر. اسکندر
ف.بیانی	م تایماز	تمندر
خسرو	شاهومیان	شروین
نیک منش	یدی	

مقالات رسیده حتی المقدور باید تایپ شده باشد.
در صورت استفاده از کامپیوتر دیسکت آنرا برای ما
بفرستید.

مقالات رسیده پس داده نمی شوند.
در صورت چاپ نشدن مقالات علت آن کتباً برای
نویسنده ارسال خواهد شد.
مقالاتی که تایپ شده نیستند، حتماً روی کاغذ
خط دار و با خط خوانا باید نوشته شوند.

Kar-Co, No: 6
March 1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم